

## ارتباط نگرش فرزند نسبت به پدر و ساختار شخصیت مرزی: نقش واسطه‌ای روابط موضوعی

### چکیده

**مقدمه:** پژوهش حاضر با هدف تبیین سازمان شخصیت مرزی براساس روابط موضوعی اولیه، و نگرش فرزند نسبت به پدر انجام شد.

**روش:** این پژوهش از نوع توصیفی بود که به روش همبستگی انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه‌های تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۹۸ بود، که ۴۴۱ نفر از آنها با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. شرکت کنندگان پرسشنامه‌های روابط موضوعی، سازمان شخصیت مرزی و مقیاس نگرش نسبت به پدر را تکمیل کردند. مدلیابی معادلات ساختاری با استفاده از داده‌های بدست آمده از پرسشنامه‌ها انجام شد.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد که نگرش نسبت به پدر به طور مستقیم ۰/۰۳ درصد و به واسطه روابط موضوعی ۰/۲۲ درصد از ساختار شخصیت مرزی را تبیین می‌کند. در مجموع، برآورد مدل ساختاری که در آن نگرش فرزند نسبت به پدر متغیر پیش‌بین و روابط موضوعی به عنوان متغیر میانجی وارد مدل شدند، نشان داد که این مدل ۰/۲۲ درصد از ساختار شخصیت مرزی را تبیین می‌کند.

**نتیجه‌گیری:** بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که سازمان شخصیت مرزی تنها به صورت غیرمستقیم و از طریق روابط موضوعی اولیه، توسط نگرش نسبت به پدر به صورت منفی تبیین می‌گردد.

**واژه‌های کلیدی:** روابط موضوعی اولیه، ساختار شخصیت مرزی، نگرش نسبت به پدر

## **The Relevance of Child's Attitude toward Father and Borderline Personality Organization: The Mediator of Object Relations**

### **Abstract**

**Introduction:** The present study aims to Explaining model of Borderline Personality Organization on the basis of Primary Object Relation and of attitude to father.

**Method:** The research method was descriptive and correlational. The statistical population of the study consisted of all undergraduate students of University in Tehran in the school year they were in 2017- 18. For this purpose, 250 of these students were selected using multi-stage cluster random sampling. In order to collect data, the Subject Relations Questionnaire (1995), The Kernberg Personality Inventory Questionnaire (IPO), Child's Attitude toward Father Scale (CAFS) were used to analyze the data. A structural equation modeling was used.

**Results:** The results showed that %22 of the dispersion of the scores of Borderline Personality Organization was explained indirectly through the Primary object relation. In addition, the results of this study, estimating the structural model in which Child's Attitude toward Father as an in-depended variable and object relations were introduced into the mediator, showed that this model explains %22 of Borderline Personality Organization.

**Conclusion:** The Borderline Personality Organization indirectly could be interpreted by Child's Attitude toward Father via primary object relations and personality organization.

**Keywords:** Borderline Personality Organization, primary object relation, Child's Attitude toward Father

رویکرد کرنبرگ در شخصیت بر ساختارهای روان‌شناختی که تصور می‌رود زیربنای جلوه‌های توصیفی کنشوری شخصیت و آسیب شخصیت است تاکید دارد (کرنبرگ، ۱۹۸۴). این ساختارهای روان‌شناختی عبارت است از الگوهای بادوام و باثبات کنشوری شخصیت، که مکرراً در شرایط خاصی فعال می‌شوند، ساختارهای روان‌شناختی تجربه ذهنی، ادراکات و رفتار فرد را سازمان می‌دهند (کرنبرگ، ۲۰۰۶). کرنبرگ، بیماران مبتلا به اختلال مرزی را در سطح سازمان شخصیت مرزی قرار می‌دهد که با بی‌ثباتی فوق‌العاده عاطفه، خلق، رفتار و مشکلات مربوط به روابط موضوعی مشخص می‌شود. در این الگو، مکانیسم‌های دفاعی ابتدایی نظیر دونیمه‌سازی و همانندسازی فرافکنانه و همچنین آشفتگی هویت، مختص BPD است که تحقیقات مختلف نیز آن را تایید کرده‌است (میلون، میلون و دیویس، ۱۹۹۴).

کرنبرگ سازمان شخصیت را به چهار گروه سالم، نروتیک، مرزی و سایکوتیک تقسیم کرده است (کرنبرگ، و بیتمن و فوناگی نیز اخیراً برای سهولت و کاربرد بهتر آن، سازمان‌های نروتیک و مرزی را به نروتیک بالا و پایین و مرزی بالا و پایین، تقسیم کرده‌اند. مطابق این تقسیم بندی‌ها اختلال شخصیت وابسته را می‌توان در گروه نروتیک (کلیگور، کرنبرگ و کالرکین، ۲۰۰۷) و یا مابین نروتیک و مرزی بالا (بیتمن و فوناگی، ۲۰۰۴) جای داد. در سطح شدیدتر، سطح مرزی، بیماران با خشکی شخصیت شدید و بسیار ناسازگار و آسیب‌هویی معنادار بالینی تعریف می‌شوند، در این اشخاص مکانیسم‌های دفاعی از نوع دو نیم‌سازی و آزمون واقعیت سالم اما در حالت شدید عاطفی دچار اختلال است (کلیگور و همکاران، ۲۰۰۷).

در دو سطح آسیب شخصیت نروتیک و مرزی صفات شخصیت ناسازگارانه، احتمالاً به صورت بازداری رفتارهای بهنجار و الگوهای رفتاری بازداری یا به صورت تشدید رفتارهای خاص (الگوهای رفتاری واکنشی) بروز می‌کند. تظاهرات رایج دیگر این دو سطح آسیب شخصیت عبارت است از بازداری‌های مرتبط با جنسیت، صمیمیت و موفقیت شغلی. این کنشوری‌های پایین‌تر از حد بهینه معمولاً باعث ناکامی و ناامیدی برای افراد می‌شود که علی‌رغم تلاش زیاد، خود را در تغییر دادن این حیطه‌ها ناتوان می‌یابند، در سطح سایکوتیک، که شدیدترین آسیب شخصیت را دارد، حس فرد نسبت به دیگران دارای یکپارچگی ضعیف، سطحی، متغیر و غیر واقع بینانه است، روابط میان فردی سطحی و ناپایدار است، عدم سرمایه‌گذاری در کار و فعالیت‌های تفریحی دیده می‌شود، دفاع‌های مبتنی بر دو نیم‌سازی

غالب هستند، خشکی شدید شخصیت وجود دارد، واقعیت‌سنجی اساساً سالم اما در موقعیت‌های عاطفی مختل و نظام ارزش‌های متناقض و به طور ناقص درونی شده است،

آسیب هویت معنادار بالینی با حس خود و تجربه دیگران مهم، که در طی زمان و موقعیت‌های گوناگون بی ثبات و تجزیه شده، همراه است. تجربه ذهنی چنین فردی از دیگران فاقد ظرافت و عمق، و کم و بیش دو قطبی (سیاه و سفید) و سطحی است، سلیقه‌ها، باورها و ارزش‌ها بی‌ثبات هستند، معمولاً از دیگران در محیط اخذ شده‌اند، و ممکن است به آسانی و به شکل چشم‌گیری با تغییرات محیط تغییر کنند.

فقدان درگیری و حضور پدران در شکل‌گیری و رشد عاطفی فرزندان-شان ممکن است این چنین پیامدهای منفی‌ای به دنبال داشته باشد: افسردگی، ضعف خودانگاره، خشونت، اضطراب، جدایی، طرد، انزجار از خود (خودبیزاری)، اختلال عاطفی و بسیاری مشکلات دیگر، که بدون شک باعث تأخیر در فرایند طبیعی رشد می‌شود (چَریتی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳؛ کاپیکیران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). صفات شخصیتی مثبت از قبیل همدلی، خودانگاره مناسب (گرین<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲؛ اسمیت<sup>۴</sup>، ۱۹۹۶)، خویش‌داری، سلامت روانی، کفایت اجتماعی، و مهارت‌های اساسی زندگی حاصل روابط فرزندان با پدری صمیمی است (ایوانز و فوگارتی<sup>۵</sup>، ۱۹۹۹)، براساس تحقیقات انجام‌شده حضور پدر و مادر به گونه‌ای متفاوت بر روابط تأثیر می‌گذارد (داچام<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۰۲؛ لیبرمن<sup>۷</sup> و همکاران، ۱۹۹۹)، حضور پدر اهمیت ویژه‌ای در کاهش تعارض در روابط دوستانه دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در کل پدران نسبت به مادران زمان کمتری را به تربیت فرزندان اختصاص می‌دهند، زمان تعامل پدرها با فرزندان-شان حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد زمانی است که مادرها به فرزندشان اختصاص می‌دهند (لَم<sup>۸</sup>، ۲۰۰۲)، به علاوه در خانواده‌هایی که میزان ساعات و نوع فعالیت‌هایی که پدر با فرزند خود دارد با ساعات و نوع فعالیت مادر یکسان باشد، باز هم از نظرماهیت و کیفیت درگیری و تعامل

---

<sup>1</sup> Chaity

<sup>2</sup> Kapikiran

<sup>3</sup> Green

<sup>4</sup> Smith

<sup>5</sup> Evans & Fogarty

<sup>6</sup> Ducharme *et al.*

<sup>7</sup> Lieberman *et al*

<sup>8</sup> Lamb

تفاوت چشمگیری بین مادر و پدر وجود دارد (ویلیامز و کلی<sup>۹</sup>، ۲۰۰۵).

کرنبرگ مطرح کرد که تجارب نامطلوب کودکی باعث می شود که کودکان بازنمایی های موضوعی مختلفی را درونی کنند که در یکپارچه کردن جنبه های مهرآمیز و نامهرآمیز کسانی که به آن ها نزدیک اند، واقع نمی شوند. در نتیجه این روابط موضوعی مختل، من ناایمن پدید می آید که ویژگی اصلی سازمان شخصیت مرزی است. از دیدگاه روابط ابژه، توانایی برقراری روابط ارضاکنده متقابل تا حدودی به الگوی درون فکنی شده ناشی از تعاملات اولیه با والدین و نگرش نسبت به آنها و افراد مهم مربوط است (برس، باسر، راتم و همکاران، ۲۰۱۳). روابط موضوعی به عنوان یکی دیگر از ساختارهای روانی مهم در این نظریه، شامل بازنمایی از خود در تعامل با دیگران، همراه با یک حالت عاطفی است (کلارکین، یومانس و کرنبرگ، ۲۰۰۶). کرنبرگ (۱۹۷۶) معتقد است که روابط موضوعی از تعامل های عاطفی با افراد مهم زندگی فرد، که در طی تحول درونی شده اند و در ساختارهای حافظه ماندگار شده اند، ریشه می گیرند، اما الزاماً با تعامل های گذشته واقعی فرد با دیگران مهم زندگی اش، مطابق نیستند. بازنمایی درونی از خود و دیگران در واقع انعکاس جنبه های واقعی (بین فردی) و خیالی ارتباطات گذشته فرد همراه با دفاع های مربوط به هر دو، هستند. این روابط موضوعی درونی نسبتاً در طول زمان پایدار می ماند، اما ظرفیت اصلاح هم دارند. در این بافت، چنانچه این روابط موضوعی حالت تعارضی یا دفاعی بگیرند می توانند فشار روانی زیادی را ایجاد نمایند و نشانه های بیماری را تولید کنند. در این پژوهش سعی شده که به این سوال پاسخ داده شود آیا مدل ساختاری تبیین ساختار شخصیت مرزی با نقش مستقیم نگرش نسبت به پدر و نقش واسطه ای روابط موضوعی از برآزش خوبی برخوردار است؟

## روش

**طرح پژوهش:** پژوهش حاضر به لحاظ هدف، از نوع بنیادی و به لحاظ نحوه گردآوری داده ها، از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری پژوهش، کلیه دانشجویان دانشگاه های تهران می باشد. روش نمونه گیری این پژوهش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای بود. حداقل حجم لازم برای پژوهش حاضر براساس شاخص پرکاربرد N بحرانی هولتر محاسبه شده است که این مقدار برای مدل فرضی پژوهش و براساس متغیرهای مکنون و مشهود برابر ۱۴۲/۱۴ به دست آمد. هم چنین، با

<sup>9</sup> Williams & Kelly

در نظر گرفتن حداقل حجم مورد نیاز هنگامی که متغیرهای مشهود مدل (در مدل فرضی پژوهش حاضر، ۲۵ پارامتر) بین ۱۰ تا ۱۵ متغیر باشد، حجم نمونه باید بین ۲۵۰ تا ۴۰۰ نفر باشد. از این رو، کل نمونه انتخاب شده در این پژوهش ۴۴۱ نفر است. ابزارهای پژوهش به شرح زیر بودند:

**مقیاس روابط موضوعی و واقعیت سنجی بل:** این مقیاس، یکی از پرکاربردترین مقیاس‌ها در حوزه سنجش روابط موضوعی است، براساس پیوستار چند بعدی ارزیابی روابط موضوعی ساخته شده که بلک، هارویچ و گدیمن (۱۹۷۳) از طریق مصاحبه‌های بالینی با بیماران در مورد رابطه‌هایشان به دست آورده‌اند (بل و همکاران، ۱۹۸۶). مقیاس روابط موضوعی بل ۴۵ ماده با پاسخدهی به صورت درست/ نادرست دارد که روابط موضوعی را در قالب چهار عامل دل‌بستگی ناایمن، بیگانگی، بی‌کفایتی اجتماعی و خودمیان‌بینی می‌سنجد. این آزمون همچنین ۴۵ گویه دیگر نیز دارد که سه عامل تحریف واقعیت، عدم قطعیت ادراک و هذیان و توهم برای سنجش واقعیت را شامل می‌شود. بل (۱۹۹۵) ضرایب اعتبار بازآزمایی چهار هفته‌ای زیرمقیاس‌های آن را ۰/۵۸ تا ۰/۹۰ و همسانی درونی آن‌ها را ۰/۷۸ تا ۰/۹۰ گزارش کرده است. روایی این مقیاس نیز از طریق سنجش همبستگی آن با مقیاس‌های دیگر مانند درجه بندی روانپزشکی مختصر (اورال و گراهام، ۱۹۶۲) و فهرست تجدید نظر شده ۹۰ ماده-ای نشانه‌های بیماری تایید شده است. در ایران در پژوهشی ویژگی-های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس روابط موضوعی بل؛ بعد از مراحل ترجمه-بازترجمه بررسی شد. نتایج تحلیل عاملی نسخه فارسی نیز ساختار چهار عاملی این مقیاس را نشان داد. از آنجا که ترکیب ماده‌های نسخه فارسی در برخی عوامل با نسخه انگلیسی متفاوت بود، نمره‌های که به هر پاسخ درست/ نادرست در زیر هر عامل تعلق می‌گیرد، براساس نتایج تحلیل عاملی (بارعاملی) و مبنای نظری (نظر متخصصان در مورد ارتباط هر ماده با محتوای فرض شده) بازنگری شد. بدین ترتیب برای نمره گذاری عامل‌ها به هر ماده در زیر هر عامل نمره‌ای بین ۰ تا ۲ داده و سپس نمره ماده‌های مربوط به آن باهم جمع می‌شود. اعتبار مقیاس با استفاده از محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۷۷ تا ۰/۶۶، ضریب اعتبار دونیمه کردن ۰/۶۰ تا ۰/۷۷ بدست آمد. همبستگی معنادار بین ابعاد روابط موضوعی و سطوح مکانیزم‌های دفاعی نیز روایی همگرا و واگرایی مقیاس روابط موضوعی بل را تایید کرد.

**پرسشنامه نگرش فرزند به والدین:** این پرسشنامه شامل دو فرم مخصوص پدر و مادر است که در این پژوهش از فرم پدر آن استفاده

شد. این مقیاس ۲۵ گزینه‌ای است و توسط مقیاس لیکرت از ۱ تا ۷ (هیچ‌وقت تا همیشه) نمره‌گذاری می‌شود و برای اندازه‌گیری میزان رضایت نوجوان از رابطه با پدر تهیه شده است. این پرسشنامه برای کودکان ۱۲ سال به بالا استفاده می‌شود. عبدالله‌زاده و همکاران، (۱۳۹۷) آلفای کرونباخ را برای این پرسشنامه ۰/۹۷ بدست آوردند که بیانگر اعتبار درونی آن است.

**پرسشنامه سازمان‌یافتگی شخصیت:** برای اندازه‌گیری سازه سازمان شخصیت از پرسشنامه سازمان‌یافتگی شخصیت کرنبرگ (IPO) فرم ۳۷ سوالی سیاه سازمان شخصیت کرنبرگ (۲۰۰۲) استفاده گردید. این سیاهه، دارای سه بعد واقعیت، دفاع‌های روان‌شناختی نخستین و سردرگمی هویت است. در مدل کرنبرگ از سازمان شخصیت، حاصل جمع سه عامل دفاع‌های روان‌شناختی نخستین، سردرگمی هویت و آزمون واقعیت، بیانگر آسیب‌پذیری کلی شخصیت (شخصیت مرزی) و حاصل جمع نمرات دو بعد دفاع‌های روان‌شناختی نخستین و سردرگمی هویت ملاک کلی شخصیت مرزی می‌باشد. اعتبار و روایی این پرسش‌نامه در ایران توسط آل‌بهبهانی و همکاران (۲۰۰۷) مشخص شده است. روایی همزمان این سیاهه سازمان شخصیت از طریق اجرای همزمان پرسش‌نامه باس-پری و مقایسه عاطفه مثبت و منفی انجام گردید که ضرایب همبستگی بین سیاهه سازمان شخصیت، خرده مقیاس‌های پرخاشگری جسمی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت و مقیاس عاطفه مثبت و منفی به ترتیب ۰/۵۷، ۰/۱۸، ۰/۳۹، ۰/۴۴، ۰/۲۱-، ۰/۴۰ بدست آمد (هوئک، ۲۰۰۲).

## یافته‌ها

در پژوهش حاضر تعداد ۴۴۱ شرکت‌کننده حضور داشتند که از این تعداد شرکت‌کننده تعداد ۱۵۰ نفر زن و تعداد ۲۸۶ نفر مرد و ۵ نفر جنسیت خود را مطرح نکرده‌اند که میانگین سنی آنان ۳۳ بود. علاوه بر این تعداد ۴۸ نفر پدر خود را با وضعیت تحصیلی بی‌سواد، ۹۹ نفر سیکل، ۱۲۲ نفر دیپلم، ۱۰۱ نفر کارشناسی، ۲۰ نفر کارشناسی ارشد و ۱۲ نفر دکتری گزارش کرده‌اند. در ادامه میانگین و انحراف استاندارد نمرات متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

انحراف استاندارد	میانگین	بیشینه	کمینه	
۷/۹۸	۵۱/۰۲	۶۷	۳۹	نمره روابط موضوعی

۲/۹۱	۳۳/۲۱	۴۲	۲۵	بی کفایتی اجتماعی
۳/۵۶	۱۸/۳۱	۴۵	۲۷	خودمیان بینی
۲/۲۵	۹/۵۲	۲۴	۱۲	دلبستگی نایمن
۱/۴۶	۵/۲۳	۱۲	۶	بیگانگی
۱۶/۱۴	۱۶۳/۹۶	۱۹۲	۱۱۲	<b>نمره کل ساختار مرزی</b>
۶/۷۴	۲۳/۱۸	۴۵	۱۰	دفاع روان شناختی
۵/۶۷	۲۲/۲۵	۳۷	۸	سردرگمی هویت
۱۲/۴۰	۳۸/۴۹	۸۵	۰	واقعیت سنجی
۱۰/۷۱	۱۲۳/۰۵	۱۴۴	۹۲	<b>نمره کل پدر</b>
۱/۶۸	۲/۲۳	۷	۱	آیتم ۱
۱/۷۱	۲/۲۹	۷	۱	آیتم ۲
۱/۹۵	۲/۹۴	۷	۱	آیتم ۳

قبل از ارزیابی مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری، پیش‌فرض‌های مهم مدلیابی معادلات ساختاری شامل نرمال بودن تک متغیری<sup>۱۰</sup> و چندمتغیری<sup>۱۱</sup> و عدم وجود هم‌خطی چندگانه مورد بررسی قرار گرفت. محاسبه چولگی و کشیدگی هر یک از متغیرهای مشهود، روشی معمول برای ارزیابی نرمال بودن تک متغیری است. در این مطالعه چولگی متغیرهای مشاهده‌پذیر در دامنه ۰/۲۱۴ تا ۲/۵۷۲ و کشیدگی آنها در دامنه ۰/۸۸۹- تا ۷/۵۳۱ قرار داشت. چو و بنتلر<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۵)، نقطه برش  $3 \pm$  را برای مقدار چولگی و  $10 \pm$  برای مقدار کشیدگی مناسب می‌دانند.

---

10. univariate normality  
11. multivariate normality  
12. Chou & Bentler



جدول ۲: ماتریس همبستگی بین متغیرهای مشاهده‌پذیر پژوهش

آیتم ۳	آیتم ۲	آیتم ۱	واقعیت	هویت	دفاع	بیگانگی	دلستگی	خودمحوری	بی کفایتی	
									۱	بی- کفایتی
								۱	۰/۸۴**	خودمحو ر
							۱	۰/۶۷**	۰/۶۵**	دلستگی
						۱	۰/۵۶**	۰/۷۹**	۰/۸۰**	بیگانگی
					۱	-۰/۴۷**	-۰/۶۰**	-۰/۵۲**	-۰/۴۸**	دفاع
				۱	-۰/۷۴**	-۰/۴۹**	-۰/۵۶**	-۰/۵۸**	-۰/۵۴**	هویت
			۱	۰/۵۶**	۰/۶۶**	-۰/۴۴**	-۰/۴۹**	-۰/۴۵**	-۰/۴۲**	واقعیت
		۱	۰/۱۴* *	۰/۲۰**	۰/۲۲**	-۰/۲۱**	-۰/۲۳**	-۰/۲۶**	-۰/۲۴**	آیتم ۱
	۱	۰/۷۶* *	۰/۱۴* *	۰/۱۶**	۰/۲۰**	-۰/۱۹**	-۰/۲۳**	-۰/۲۴**	-۰/۲۳**	آیتم ۲
۱	۰/۶۴**	۰/۶۳* *	۰/۱۴* *	۰/۱۷**	۰/۱۵**	-۰/۲۴**	-۰/۲۱**	-۰/۲۵**	-۰/۲۴**	آیتم ۳

در این مطالعه فرض نرمال بودن چندمتغیری با محاسبه شاخص کشیدگی چندمتغیری نسبی<sup>۱۳</sup> بررسی شد که مقدار آن برابر ۱/۲۹۱ بدست آمد. بنتلر (۳۲)، معتقد است در صورتی که ارزش این شاخص بیشتر از ۳ نباشد، نرمال بودن چندمتغیری محقق شده است. بنابراین توزیع تمامی ترکیبهای متغیرها نرمال است. بررسی پیش فرض عدم وجود همخطی چندگانه<sup>۱۴</sup> به وسیله واریانس ماتریس همبستگی بین متغیرهای مشهود انجام شد. بررسی این ماتریس حاکی از عدم وجود همخطی چندگانه بین آنها است. ضرایب همبستگی در دامنه  $0/84 \leq r \leq 0/19$  قرار دارند. ضرایب همبستگی که بالای ۰/۸۵ باشند در تخمین صحیح مدل مشکل ایجاد می‌کنند (بنتلر، ۱۹۹۵). درچنین شرایطی باید یکی از دو متغیر از تحلیل کنار گذاشته شود. بنابراین فرض عدم وجود همخطی چندگانه نیز محقق شده است. مدلیابی معادلات ساختاری با کاربرد روش تخمین حداکثر درست‌نمایی<sup>۱۵</sup> برای ارزیابی مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری به کار برده شد. مدل اندازه‌گیری ارتباط متغیرهای مشهود را با متغیرهای مکنون مشخص می‌کند. ارزیابی این مدل با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی انجام می‌شود. شاخصهای برازش مدل اندازه‌گیری که در جدول ۲ ارائه شده است، برازش مطلوب این مدل را نشان می‌دهد. بنابراین متغیرهای مشهود توانایی لازم برای عملیاتی کردن متغیرهای مکنون را دارند.

جدول ۲ - شاخصهای برازش مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری پژوهش

<i>GFI</i>	<i>CFI</i>	<i>AGFI</i>	<i>SRMR</i>	<i>RMSEA</i>	<i>RFI</i>	<i>X2/DF</i>	<i>Chi</i> – <i>Square</i>	
۰/۹۷	۰/۹۸	۰/۹۵	۰/۰۴۶	۰/۰۴۵	۱/۶۹۸	۱/۸۴	۵۹/۱۶	مدل اندازه گیری
۰/۹۷	۰/۹۹	۰/۹۴	۰/۰۳۰	۰/۰۵۰	۰/۹۸	۲/۳۴	۶۵/۶۷	مدل ساختاری

همچنین ارزیابی مدل ساختاری با استفاده از روش مدلیابی معادلات ساختاری نشان داد که تمامی شاخصهای برازش این مدل فرضی

13. relative multivariate kurtosis

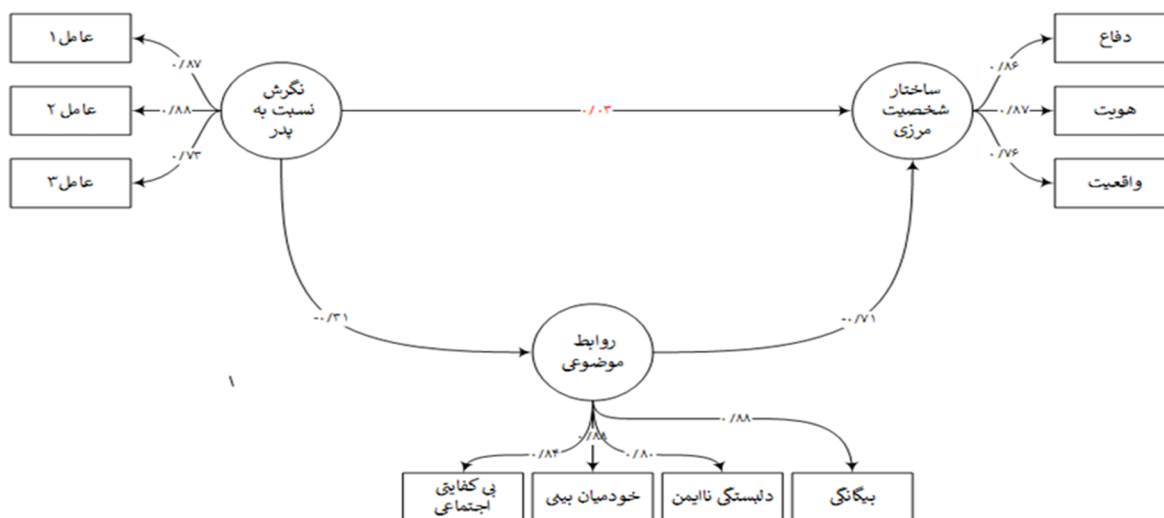
14 multicollinearity

15. Maximum likelihood

به غیر از RMSEA، در محدوده برازش مطلوب قرار دارد. شاخص‌های برازش مربوط به این مدل در جدول ۲ دیده می‌شود. شکل ۲ مدل ساختاری مفهومی را به همراه ضرایب استاندارد به تصویر می‌کشد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود نگرش فرزند نسبت به پدر به عنوان متغیر برون‌زا، به ترتیب با ضریب استاندارد  $-0/31$  ( $t\text{-values}=14/31$ )،  $-0/03$  ( $t\text{-values}=-0/14$ ) بر روابط موضوعی و ساختار شخصیت مرزی تاثیر دارد. روابط موضوعی نیز با ضریب استاندارد  $-0/71$  ( $t\text{-values}=29/94$ ) بر ساختار شخصیت مرزی تاثیر می‌گذارد. با توجه به اینکه در مدل ساختاری، معناداری ضریب مسیر با استفاده از مقدار T ( $T\text{-value}$ ) مشخص می‌شود. چنانچه مقدار  $t$  بیش از  $1/96$  باشد ارتباط دو سازه معنادار است، بنابراین به غیر از مسیر مستقیم نگرش نسبت به پدر به ساختار شخصیت مرزی، تمامی مسیرها معنادار است.

در مدل فرضی، روابط موضوعی، اثر نگرش فرزند نسبت به پدر بر ساختار شخصیت مرزی را واسطه‌گری می‌کند. به این صورت که نگرش فرزند نسبت به پدر بر روابط موضوعی اثر می‌گذارد، روابط موضوعی بر ساختار شخصیت مرزی اثر می‌گذارند. شاخص‌های برازش مربوط به این مدل در جدول ۴-۵ مشاهده می‌شود. شاخص‌ها نشان دهنده برازش بسیار مناسب مدل فرضی است.



شکل ۴- ۲ مدل ساختاری فرضی را به همراه ضرایب استاندارد به تصویر می‌کشد. روابط موضوعی و کارکرد خانواده به ترتیب با ضرایب استاندارد ۰/۱۶ و ۰/۲۹- بر واقعیت سنجی اثر می‌گذارد و واقعیت سنجی نیز با ضریب استاندارد ۰/۲۹ بر علائم منفی اثر می‌گذارد. تمامی اثرات در سطح  $P < ۰/۰۰۱$  معنی دار است.

در مطالعه حاضر برای ارزیابی روابط واسطه‌ای از آزمون بوت استرپ استفاده شد. بوت استرپ قدرتمندترین و منطقی‌ترین روش را برای ارزیابی اثرات غیر مستقیم فراهم می‌آورد. ارزیابی معنی داری این روابط را می‌توان به دو طریق بررسی کرد. روش اول با مراجعه به سطوح معنی‌داری و روش دوم با بررسی فاصله‌های اطمینان. در صورتی که حد بالا و پایین با فاصله اطمینان ۹۵٪ برای مسیر واسطه‌ای هم علامت باشند (هر دو مثبت یا هر دو منفی) و یا به عبارتی مقدار صفر بین این دو حد قرار نگیرد مسیر مورد نظر در سطح  $p < ۰/۰۵$  معنی دار است.

جدول ۳، اثرات غیر مستقیم یا میانجی را برای مدل فرضی نشان می‌دهد. براساس مندرجات این جدول اثر نگرش فرزند نسبت به پدر بر ساختار شخصیت مرزی با واسطه‌گری روابط موضوعی دارای ضریب استاندارد ۰/۲۲۰ ( $p = ۰/۰۰۴$ ) است.

جدول ۳- نتایج آزمون بوت استرپ برای روابط واسطه‌ای

متغیر مستقل	متغیر واسط	متغیر وابسته	حدود بوت استرپ		خطای برآورد	اندازه اثر	سطح معنی داری
			حد بالا	حد پایین			
نگرش به پدر	روابط موضوعی	ساختار شخصیت مرزی	۰/۳۵۶	۰/۱۵۳	۰/۶۷۴	۰/۲۲۰	۰/۰۰۴

### بحث و نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد ساختار شخصیت مرزی هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم و از طریق نگرش فرزند نسبت به پدر و روابط موضوعی به صورت مثبت تبیین می‌گردد. هم چنین یافته‌ها نشان داد، روابط موضوعی از طریق نگرش فرزند نسبت به پدر به صورت مثبت تبیین شده است. این یافته با نتایج پژوهش‌های هاپریچ و همکاران (۲۰۱۷)، طاهرویچ و باجتریک (۲۰۱۶) و گرین (۱۹۹۶) همسو است. هم چنین، یافته‌های مطالعه حاضر به طور ضمنی با نتایج پژوهش‌های خانجانی و همکاران (۲۰۱۲)، بشارت (۲۰۰۶)،

غفاری و رضایی (۲۰۱۳)، مشابهت دارد. در تبیین این یافته می-توان گفت که روابط شیء به وسیله بازنمودهای شناختی-عاطفی مبتنی بر روابط بین فردی استوار می‌باشد و به ظرفیت فرد برای ایجاد روابط پایدار در زمینه‌های مختل مربوط است. براساس نظریه-های روابط موضوعی و روانشناسی خود، نزدیکترین و صمیمی‌ترین روابط اولیه کودک، بیشترین تاثیر را بر بهنجاری و نابهنجاری روانی او دارد. این نظریه معتقد است که تعارض های ارتباطی اولیه با موضوع، همراه با خلق حاکم بر این رابطه، درونی می‌شود و بعدها ارتباطات فرد را با افراد جدید تحت تاثیر قرار می‌دهد (خانجانی و همکاران، ۲۰۱۲؛ گاگون، لبانس، آمند، ۲۰۱۵).

تئوری روابط شیء، از نظریه روانکاوی فروید ایجاد شد. او به این نتیجه رسید که آسیب‌های روانی به عنوان پیامد تعارض بین سائق‌های ناهشیار و ممنوعیت درونی شده به این سائق‌ها است. تئوری روابط شیء، نسخه تکامل یافته نظریه فروید می‌باشد که تاکید می‌کند سائق‌ها در ناهشیاری تجربه نمی‌شوند، بلکه در ارتباط با یک شیء خاص تجربه می‌شوند. بنابراین، سنگبنای اساسی ساختار روانی، واحدهایی هستند که از خود ایجاد می‌شوند. از جمله نظریه‌پردازانی که در زمینه شخصیت مرزی بر اساس نظریه روابط شیء سخن گفته‌اند، می‌توان به کرنبرگ اشاره کرد. از نظر وی، بیماران مرزی در مرحله تفرد-جودایی ماهر، بویژه در زیرمرحله نزدیکی مجدد، تثبیت شده‌اند. نکته حائز اهمیت این است که تفرد-جدایی مقدم بر ثبات شیء است و زمانی که فرد در تفرد-جدایی تثبیت شده باشد، به دنبال آن فاقد ثبات شیء خواهد بود. بنابراین، بیمار مرزی نمی‌تواند میان خود و دیگران تمایز قایل شود، مگر این که پیشتر تصویر یک چهره ارضاکنده را که حضوری پایدار و باثبات دارد، درونی‌سازی کرده باشد (کرنبرگ، ۲۰۱۵). هراس کودک از آن است که مبادا مادر، او را برای همیشه ترک کند و دیگر بازگشتی در کار نباشد. بیمار مرزی مکرر چیزی شبیه این نوع اضطراب جدایی کوبنده را در بزرگسالی تجربه می‌کند. از این-رو، اغلب وابسته و چسبنده به نظر می‌رسد و نمی‌تواند به مدت طولانی تنهایی را تحمل کند (یومانز و لوی، ۲۰۰۲). براساس نظر کرنبرگ، بیماران مبتلا به شخصیت مرزی، پرخاشگری افراطی یا مازاد دارند؛ یعنی به دلیل مسایل فطری زیربنایی و یا ناکامی نیازهای اولیه آنها توسط مراقبان غیر حساس، میزان پرخاشگری‌شان بیش از حد معمول است. به همین دلیل انسجام نظام‌های همانندسازی تصاویر متضاد، بیش از خود تهدیدکننده خواهد بود. در گذشته تحولی بیماران مبتلا به شخصیت مرزی درست در زمانی که این

انسجام در حال وقوع بوده است، شدت خشم و نفرت معطوف به یک تصویر بد، شاید تصویر خوب را نابود کرده و بنابراین، انسجام واقعی میان عشق و نفرت یا تصاویر خوب و بد اتفاق نیفتاده است. حتی اگر قرار بود بیماران مبتلا به شخصیت مرزی به درک مفهوم یکپارچه و منسجمی از چهره‌های مهم زندگی خود برسند، باز هم تصاویر بد از چنان خشم و نفرتی برخوردار بود که می‌توانست تصاویر خوب را منهدم و در نتیجه، شیء خوب (یعنی مادر خوب) را تنها بگذارد (کلارکین، لنزنویگر، یومانز، لوی و کرنبرگ، ۲۰۰۷).

برمبنای نتایج بدست آمده از داده‌های پژوهشی، میان نگرش فرزند نسبت به پدر و روابط موضوعی رابطه وجود دارد. همان طور که قبلاً گفته شد، نظریه پردازان زیادی تاکید نموده‌اند که عدم حضور پدر در سنین ابتدایی و مراحل اول ادیپی، شکل‌گیری و تحول احساس خود، دنیای روابط موضوعی و الگوهای ارتباط درونی و به تبع آن در روابط بعدی، الگوهای ارتباطی غالب کودک با دنیای خارج را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد (بلاس، ۱۹۸۴؛ لیبمن، آبل، ۲۰۰۰). برمبنای نتایج بدست آمده حضور مثبت پدر با عامل بیگانگی در روابط موضوعی رابطه معنادار منفی دارد. عامل بیگانگی با احساس عدم ارتباط در روابط، ارتباطات بی‌ثبات و سطحی، مشکلات جدی در برقراری صمیمیت، خشم و خصومت نسبت به دیگران و تنهایی و انزوا در ارتباط است که حضور مثبت پدر می‌تواند با کاهش این عوامل همراه باشد و حضور منفی وی باعث افزایش این عوامل گردد (بل، ۲۰۰۷).

به طور کلی می‌توان گفت حضور مثبت پدر می‌تواند ارتباطات فرد را تنظیم کند و این امکان را به وی می‌دهد که بتواند بر روی یک طیف حرکت کند که یک سر این طیف جدایی مفرط وجود دارد و سر دیگر آن صمیمیت و آمیختگی، که آنچه برای سلامت روان یک فرد مهم است این است که بتواند در روابطش فاصله سالمی را حفظ کند که نه از نزدیکی زیاد خفه شود و نه این که از دوری زیاد رنج ببرد. حضور مثبت پدر کمک می‌کند خشم خود را ابراز کند و هدفها و توانایی‌های خودش را بشناسد که پیش نیاز روابط پخته با دیگران است که در آن هم تمایز وجود دارد و هم ارتباط تعاملی؛ و در نهایت پدر به ایجاد رابطه سه گانه استقلال روان شناختی، تشکیل من مستقل و جدایی از رفتارهای وابسته به والدین کمک می‌کند. افرادی که نگرش منفی نسبت به پدر دارند، در برقراری روابط بین فردی نگرانی بیشتری را نسبت به دوست داشته شدن و پذیرش توسط دیگران، تجربه کنند. هرچند برقراری ارتباط به لحاظ روان‌شناختی برای این افراد بسیار با اهمیت است، اما نگرانی،

احساس گناه، حسادت و اضطراب، سبب بروز الگوهای ناسازگارانه و تکرار شونده‌ای همچون وابستگی بیش از حد، چسبندگی و رفتارهای خودتخریبی در روابط آنان می‌گردد. جدایی، فقدان و تنهایی برای آن‌ها سخت و غیرقابل تحمل است و به شدت نسبت به احتمال رها شدن حساسیت داشته و در جستجوی اطمینان یافتن از وجود حمایت و صمیمت دیگران هستند. سطوح پایین درگیری عاطفی و گسستگی از روابط ابژه می‌کشاند که این گسست از والدین با خشم همراه است، در واقع فرد از ابژه‌ها جدا می‌شود و به سمت یک چیز کاملاً متفاوت برای جبران می‌رود ولی این جدایی با خشم همراه است نه پختگی (بل، ۲۰۰۷). پژوهشگران گزارش کرده‌اند، عدم حضور پدر چه از لحاظ فیزیکی و چه از لحاظ روانی به شکل آسیب زنده‌ای، فرایند شکل‌گیری ساختار خود و شبکه روابط موضوعی را تحت تاثیر قرار می‌دهد (بیشاب و لین، ۲۰۰۰)؛ در این میان پدر به عنوان مرجع قدرت در روابط سه‌گانه مادر\_کودک\_پدر، نقش عمده‌ای در شکل‌گیری روابط موضوعی کودک ایفا می‌کند. پدر با ایجاد نوعی کشش و جاذبه، کودک را با دنیای واقعی که در برگیرنده افراد، اشیاء و موضوعات گوناگون است، آشنا می‌سازد (اتچوگون، ۲۰۰۲). از این رو، تجربه نوعی اتحاد رضایت بخش با پدر، عشق ورزی بدون تعارض با او و مورد عشق او واقع شدن، احساس بادوام و عمیقی از امنیت در برابر تهدیدات بیرونی را برای کودک فراهم می‌آورد و به او کمک می‌کند تا احساس استوار و محکمی نسبت به خود داشته باشد، براین اساس نظریه پردازان روان‌شناسی ایگو، وجود پدری دوست داشتنی و همدل را منبع اساسی و مهمی برای تحول احساس یکپارچگی از خود، می‌دانند (لیبمن، ۲۰۰۰)

با این‌که یافته‌ها از مدل فرضی پژوهش حمایت‌کردند، نتایج این پژوهش باید با در نظر گرفتن محدودیت‌های آن تفسیر شود. ابتدا اینکه مطالعه حاضر روی بیماران اسکیزوفرنیک که جمعیت نسبتاً همگنی هستند، انجام شده است؛ بنابراین، در تعمیم نتایج به جمعیت‌های دیگر محدودیت وجود دارد. از سویی، هرچند بسیاری از پژوهشگران از مفهوم‌سازی اختلالات روانی در ساختاری ابعادی حمایت می‌کنند و بر این باورند که نتایج به دست آمده از محیط‌های بالینی و غیر بالینی تا حد زیادی مطابق هم هستند. باید در تعمیم نتایج این مطالعه به محیط غیر بالینی احتیاط کرد. محدودیت دیگر اینکه ماهیت مقطعی مطالعه حاضر، مانع استنتاج‌های علی و شناخت دقیق ماهیت واقعی روابط بین متغیرهای پژوهش می‌شود. احتمال زیادی وجود دارد که ترتیب زمانی شکل‌گیری متغیرها براساس مدل فرضی ارائه‌شده باشد؛ با وجود این، قطعاً

نمی‌توان بر پایه این مطالعه حالت‌های جایگزین دیگر را رد کرد. سرانجام اینکه در این مطالعه برای ارزیابی هر کدام از متغیرها تنها از یک ابزار اندازه‌گیری خودسنجی استفاده شد. استفاده از روش‌های اندازه‌گیری متنوع می‌تواند به مفهوم‌سازی بهتر متغیر کمک کند.

با توجه به محدودیت‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود مطالعه حاضر روی جمعیت بالینی یا جمعیت‌های غیردانشجویی نیز انجام شود تا توان تعمیم‌دهی یافته‌های آن افزایش یابد. هم‌چنین به منظور استنتاج روابط علی و شفاف کردن توالی زمانی بین متغیرهای پژوهش، انجام مطالعات طولی پیشنهاد می‌شود.

### سپاس‌گزاری

پژوهشگران، از همه شرکت‌کنندگان در این پژوهش که نهایت همکاری را در اجرای این پژوهش داشته‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنند.

### منابع

- Al Behbahani, Marjan, Mohammadi, Nouraleh. Review the psychometric properties of the Kronberg character organization log. *Journal of Psychology*. 2007; 11 (2): 195-185. ##
- Bateman A, Fonagy P. *Psychotherapy for borderline personality disorder Mentalization-based treatment*. London: Oxford Medical Publications. 2004.
- Bell Md. *Bell Object Relations and Reality Testing Inventory: Borrti*. Western Psychological Services; 2007.##
- Besharat MA. An attachment theory explanation of personality disorders. *Contemporary Psychology* 2006; 1(2): 41-8.[In Persian].
- Blos P. Son and Father. *Journal of the American Psychoanalytical Association*. 1984; 32: 301-324. Liebman Sj, Abell Sc. The Forgotten Parent No More: A Psychoanalytic Reconsideration Of Fatherhood. *Psychoanalytic Psychology*. 2000; 17(1): 88- 105
- Caligor E, Kernberg OF, Clarkin JF. *Hand book of dynamic psychotherapy for higher level personality pathology*. 2nd ed. Washington, DC: Am psychiatr publ. 2007
- Charity, J. (2003). When fathers arent Dads. Retrieved from <http://www.umm.maine.edu/resources/behachive/bexstudents/jackich//arity/jc320.html>, August 11, 2003
- Clarkin JF, Lenzenweger MF, Yeomans F, Levy KN, Kernberg OF. An object relations model of borderline pathology. *J Pers Disord* 2007; 21(5): 474-99.
- Ducharme, J., Doyle, A. B., & Markiewicz, D. (2002). Attachmentsecurity with motherand father: Associations with adolescents reports of interpersonal behavior with parents and peers.*Journal of Social and Personal Relationships*,19, 203° 231.



- Etchegoen A. Psychoanalytic Ideas about Father. In "The Importance of Father: A Psychoanalytic ReEvaluation". Editors: Trowell J, Etchegoen A. 20- 41. New York Brunner/Routledge. 2002: 20-41.
- Evans, G.D., & Fogarty, K. (1999). The hidden benefits of being aninvolved father. Retrievedfrom <http://edis.ifas.ufl.edu>, July 9,2005
- Gagnon J, Leblanc JS, St-Amand J. Relationship between two dimensions of object relations and group psychotherapy attendance rate in borderline personality disorder individuals. *J Psychol Psychother* 2015; 5(2):171
- Ghaffari M, Rezaei A. Investigating the relation of attachment and identity styles with borderline personality Disorder of adolescents. *J Ilam Univ Med Sci* 2013; 21(6): 23-32. [In Persian]##.
- Green, S. (2002). Involving fathers in childrens literacy development: An introduction to thefathers reading every day (FRED)program. Retrieved from<http://www.joe.org/joe> 2002october/ iw4.shtml, July 9, 2005.
- Greene LR. Primitive defenses, object relations, and symptom clusters in borderline psychopathology. *J Pers Assess* 1996;67(2): 294-304.##
- Hoek HW. Distribution of eating disorders. *Eating disorders and obesity: A comprehensive handbook*. 2002; 2: 233-7..
- Huprich SK, Nelson SM, Pagueot A, Lengu K, Albright J. Object relations predicts borderline personality disorder symptoms beyond emotional dysregulation, negative affect, and impulsivity. *Personal Disord* 2017; 8(1): 46-53.##
- Kapikiran, S. (2012). Loneliness and Life Satisfaction in Turkish EarlyAdolescents: The Mediating Role of Self Esteem and Social Suppor. *Springer Science+Business Media*.
- Kernberg OF. Borderline (Patient) Personality. *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition), International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition), Personality Disorders Institute, New York Presbyterian Hospital, New York, NY, USA; Joan and Sanford*. 2015; 755-59.
- Kernberg OF. Identity: recent findings and clinical implications. *The Psychoanalytic quarterly*. 2006; 75(4): 969-1004.
- Khanjani Z, Hosseini Nasab SD, Kazemi A, Panah Ali A. Attachment styles and personality disorders: An analysis of the role of attachment insecurity on personality disorders of cluster B and C. *Clinical Psychology Studies* 2012; 7(2): 97-119. [Persian]
- Lamb, M. E. (2000). The history of research on father involvement: An overview. *Marriage and Family Review*, 29: 23-42
- Lieberman, M., Doyle, A., & Markiewicz, D. (1999). Developmental patterns in security of attachment to mother and father in latechildhood and early adolescence:
- Smith, A. K. (1996). Fathers roles. Retrieved from <http://www.ohioline.osu.edu/hyg-fact/5000/5212.html>, March 7, 2002
- Tahirovicc S, Bajric A. Child-parent attachment styles and borderline personality disorder relationship. *Mediterr J Clin Psychol* 2016; 4(2): 1-27
- Williams, S. K., & Kelly. F. D. (2005). Relationships Among Involvement,Attachment,##
- Yeomans FE, Levy KN. An object relations perspective on borderline personality. *Acta Neuropsychiatr* 2002; 14(2): 76-80
- Millon, T., Millon, C., & Davis, R. (1994). *Millon Clinical Multiaxial Inventory-III (MCMI-III) Manual*. Minneapolis: National Computer System

بهناز عباسی راد دانشجو دکترا آزاد اسلامی قم رشته روانشناسی  
عمومی - ادرس پستی : تهران خیابان آزادی کوی مسلم حسین مردی  
کوچه آفرین پلاک ۸  
ایمیل آدرس : [behnazrad96com@gmail.com](mailto:behnazrad96com@gmail.com) شماره تماس ۰۹۱۲۳۸۶۰۷۵۱